

# کتاب دانیال - شماره هشتاد و یک

افشای تجدیدنظرطلبی تاریخی در ادونتیسیم لاودیکیه‌ای: بررسی مناقشه بر سر «قربانی دائمی»

Jeff Pippenger

2024-02-14

استدلال از علت به معلول بیهوده است اگر معلول را نادرست تعریف کنید؛ همان‌گونه که مورخان ادونتیسیم لاودیکی که درباره‌ی اوضاع و شخصیت‌های مرتبط با کنفرانس عمومی ۱۸۸۸ در مینیاپولیس حکم صادر می‌کنند، چنین کرده‌اند. تفسیر الهامی آن رویداد را تکرار شورش قورج، داتان و ابیرام معرفی می‌کند؛ شورش‌ی که انگیزه‌اش داوری‌ای بود که آنان را محکوم کرد تا چهل سال در بیابان سرگردان باشند تا زمانی که بمیرند. همان داوری بر ادونتیسیم لاودیکی نیز اعلام شده بود.

این شورش شامل گفت‌وگوهای محرمانه‌ای بود که در آن شورشیان به چنان کوری لاودیکیه‌ای شدیدی دچار بودند که مانع می‌شد بفهمند خدا از برنامه‌ریزی‌ها و شورش پشت درهای بسته‌شان آگاه است. همان‌گونه که قورج، داتان و ابیرام در خیمه‌های خود پنهان می‌شدند، نقشه‌هایشان را می‌ریختند و شورش خود را علیه موسی گسترش می‌دادند، به همان ترتیب مردان کهن سال ۱۸۸۸ نیز پشت درهای بسته خانه‌هایشان پنهان شدند تا علیه خواهر وایت، پسرش و پیام‌آوران برگزیده توطئه کنند. از آن پس، قرار بود خواهر وایت، جونز و واگنر مورد حمله قرار گیرند.

چهار نسل ادونتیسیم به تدریج در عصیان خود رشد کردند، چنان‌که در فصل هشتم حزقیال نشان داده شده است. حجره‌های تصورات درون هیکل مادی و هیکل انسانی به سنگ‌گناه تصورات شریرانه بدل شده بودند، و روح‌گرایی بر مشایخی که برای حفاظت از مردم منصوب شده بودند سایه افکند. تا پیش از ۱۸۸۸، مشایخ هم به اقتدار کتاب مقدس و سپس به روح نبوت خدشه وارد کردند، و در ۱۸۸۴ رؤیاهای آشکار پایان یافت. روح‌گرایی همه‌خداانگاران کلاگ در تاریخ پیش از ۱۸۸۸ راه خود را باز کرد، و ۱۸۸۸ نشانگر ورود نسل دوم است. شاید تاریخ‌نگاران ادونتیسیم شهادت تاریخی واقعی عصیانی را که در آن جلسه آشکار شد ثبت نکرده باشند، اما بنا بر الهام، نگهبانان آسمانی «هر کلمه را شنیدند و ثبت کردند»، آن «کلمات را در کتاب‌های آسمان» به ثبت رساندند.

شورش‌ی که در «حجره‌های پنهانی تصاویر» حزقیال نمایانده شده بود، نماد جمله‌ای به بنیادهای حقیقی بود. این امر بیانگر حمله‌ای به نبیه و فرستادگان برگزیده بود و نشانه فرارسیدن روح‌گرایی به شمار می‌رفت. در آن نسل، حمله بزرگ بعدی قرار بود از سوی شیطان بر ضد خود اساس بنیان‌های ویلیام میلر صورت گیرد.

میلر چارچوب همه تطبیقات نبوتی خود را بر این درک بنا کرد که دو قدرت ویرانگر در کتاب دانیال، باب هشت، آیه سیزده، نمایانگر ابتدا بت‌پرستی و سپس پاپی‌گری بودند. در سال ۱۹۰۱، لوئیس کنرادی، از رهبران ادونتیسیم لاودیکیه‌ای در آلمان، دیدگاه پروتستان‌های سقوط‌کرده را دوباره مطرح کرد که بر پایه آن «دائمی» در کتاب دانیال نمایانگر خدمت مسیح در قدس بود.

در دوره تاریخی پس از نشست ۱۸۸۸ مینیاپولیس، روح‌گرایی رهبر کار سلامت شدت گرفت، بیگانگی میان رهبران ادامه یافت، زیرا پیامدهای رد پیام جونز و واگنر همچنان اثر خود را می‌گذاشت. در آغاز قرن جدید، دلیو. دبلیو. پرسکات، رهبر ادونتیسیم لاودیکیه‌ای که از مدارس پروتستان‌تیسیم مرتد اعتبارنامه‌های الهیاتی دریافت کرده بود، برای ترویج دیدگاه کنرادی درباره «daily» «daily» ردای شیطانی بر تن کرد؛ و همان‌گونه که همیشه چنین است، «فاتحان تاریخ را می‌نویسند».

فرشتگان مقدس تاریخ حقیقی را ثبت کردند، اما ادونتیسیم لاودیکیه‌ای روایتی تاریخی از مناقشه بر سر رد برداشت میلری از «دائمی» پدید آورد که هر یک از «ناآموختگان» در ادونتیسیم لاودیکیه‌ای را بر آن می‌دارد باور کنند که تعریفی از «دائمی» که خواهر وایت آن را منتسب به «فرشتگانی که از آسمان رانده شدند» کرده بود، در حقیقت آموزه‌ای درست است. در سال‌های آغازین قرن بیستم، دلبلیو. دلبلیو. پرسکات رهبری انتشار نشریه‌ای با عنوان «پروتستان» را بر عهده گرفت. تمام مبنای آن نشریه این بود که تعلیم دهد برداشت میلر از «دائمی» نادرست است و اینکه پروتستان‌تیسیم مرتد — جایی که او مدارک الهیاتی‌اش را کسب کرده بود — در نسبت دادن نمادی شیطانی به مسیح، محق است. در آن تاریخ، ای. جی. دنیلز (رئیس کنفرانس عمومی) با پرسکات در حمله شیطانی علیه حقیقت هم‌پیمان شد، با وجود این واقعیت که خواهر وایت دیدگاه میلر درباره «دائمی» را مستقیماً به عنوان دیدگاهی صحیح تأیید کرده بود.

خداوند به من نشان داد که نمودار ۱۸۴۳ به دست او هدایت شده بود و هیچ بخشی از آن نباید تغییر یابد؛ اعداد همان‌گونه بودند که او می‌خواست. دست او بر آن بود و خطایی را در برخی از اعداد پنهان کرده بود، به‌گونه‌ای که هیچ‌کس نمی‌توانست آن را ببیند تا زمانی که دستش برداشته شد.

«سپس دیدم که در ارتباط با «دائمی»، واژه «قربانی» به واسطه خرد انسانی افزوده شده و به متن تعلق ندارد؛ و اینکه خداوند دیدگاه درست آن را به کسانی عطا کرد که فریاد ساعت دآوری را سر دادند. زمانی که اتحاد وجود داشت، پیش از ۱۸۴۴، تقریباً همه درباره دیدگاه درست «دائمی» هم‌نظر بودند؛ اما از ۱۸۴۴ به بعد، در میان آشفتگی، دیدگاه‌های دیگری پذیرفته شده و تاریکی و سردرگمی در پی آمده است.» ریویو و هرالده، ۱ نوامبر ۱۸۵۰.

در زمان حمله پرسکات و دنیلز علیه حقیقت «روزانه»، پرسکات و دنیلز درباره آن موضوع نماینده دیدگاهی اقلیت بودند، و نصیحت خواهر وایت در جریان آن مناقشه به آن دو مرد این بود که سکوت اختیار کنند، هرچند آن را با عباراتی دیپلماتیک‌تر بیان می‌کرد، مانند «حکمت شما در سکوت است.» وقتی به خاطر دیدگاه نادرست‌شان آنان را توبیخ کرد، همچنین تأکید نمود که موضوع «روزانه» نباید به سؤال آزمون تبدیل شود. تجدیدنظرطلبان تاریخی، که تجدیدنظرگرایی روشی تاریخی است که آغاز آن را به فرقه یسوعی کلیسای کاتولیک نسبت می‌دهند، از اظهارات او درباره اینکه «روزانه» نباید به سؤال آزمون تبدیل شود استفاده کرده‌اند تا از ارزیابی صادقانه آن آموزه جلوگیری کنند. آنان سخنان او را تحریف می‌کنند، زیرا همواره این نکته را حذف می‌کنند که او هرگاه توصیه می‌کرد از دامن زدن به موضوع «روزانه» خودداری شود، سخنانش را با قیودی مانند «در این زمان» یا «تحت شرایط کنونی» مقید می‌کرد.

به‌عنوان یک پیامبر زن، او می‌کوشید جنجال رو به تشدید را که در آستانه ایجاد شکافی بزرگ در کلیسای جهانی بود مهار کند؛ جنجالی که توسط اقلیتی از افراد برپا شده بود که می‌پنداشتند چون رهبرند، اختیار دارند هر آنچه را حقیقت تشخیص می‌دهند ترویج کنند. و خداوند، از طریق نفوذ او، کار شیطانی را مهار کرد، تا زمانی که او درگذشت. سپس در سال ۱۹۳۱، تلاش تازه‌ای برای رد حقیقت «daily» «daily» صورت گرفت و در نهایت به انجام رسید. امروزه فهم درست تعریف «daily» «daily» در ادونتیسیم لاودیکیه‌ای، فهم اقلیت است، و در اوضاع کنونی، «daily» «daily» اکنون بی‌تردید یک سؤال امتحانی است.

وقتی نظر اکثریت حامل فهم حقیقی بود، آن موضوع آزمون نبود؛ اما وقتی هر حقیقتی خطا تعریف می‌شود، آن‌گاه به آزمون تبدیل می‌شود. هنگامی که مجموعه‌ای از دست‌نوشته‌ها با عنوان Manuscript Releases در دهه ۱۹۸۰ یا حوالی آن منتشر شد، آنگاه مقاله‌ای شناخته شد که مخالفتش با دیدگاه پرسکات و دنیلز درباره «daily» «daily» به همان اندازه صریح است که تأیید او بر دیدگاه میلر

صراحت دارد.

در این مرحله از تجربه ما، نباید ذهن‌هایمان از نوری ویژه که قرار بود در گردهمایی مهم کنفرانس‌مان بدان پردازیم، منحرف شود. و برادر دانیلز هم بود که دشمن بر ذهن او کار می‌کرد؛ و ذهن تو و ذهن کشیش پرسکات را فرشتگان از آسمان رانده شده تحت تأثیر قرار می‌دادند. کار شیطان این بود که ذهن‌های شما را منحرف کند تا ریزترین جزئیاتی را پیش بکشید که خداوند الهام نکرده بود آن‌ها را مطرح کنید. آن‌ها ضروری نبودند. اما این برای کار حقیقت اهمیت بسیار داشت. و اگر اندیشه‌های شما به سوی ریزترین جزئیات کشیده شود، این کاری است از تدبیر شیطان. شما می‌پنداشتید که تصحیح چیزهای کوچک در کتاب‌های نوشته شده کاری بزرگ خواهد بود. اما مأمورم: سکوت، خود فصاحت است.

باید بگویم: دست از عیب‌جویی بردارید. اگر فقط این مقصود شیطان عملی می‌شد، آنگاه به نظری شما می‌آمد که کارتان در طرح به‌غایت شگفت‌انگیز شمرده می‌شد. نقشه دشمن این بود که همه جنبه‌های به‌اصطلاح قابل اعتراض را در همان جاهایی گرد آورد که همه سطوح فکری بر سر آن‌ها هم‌داستان نبودند.

و آنگاه چه؟ همان کاری که شیطان را خشنود می‌کند به وقوع خواهد پیوست. برای بیگانگان بیرون از ایمان ما، تصویری عرضه می‌شد که دقیقاً باب طبعشان باشد، که خصلت‌هایی را پدید می‌آورد که موجب سردرگمی بسیار می‌شد و لحظات طلایی‌ای را که باید با غیرت برای پیش روی مردم نهادن پیام بزرگ صرف شود، به خود مشغول می‌کرد. ارائه‌ها درباره هر موضوعی که بر آن کار کرده‌ایم نمی‌توانستند همگی با هم هماهنگ شوند، و نتیجه آن سردرگم کردن اذهان مؤمنان و نامؤمنان می‌شد. این دقیقاً همان چیزی است که شیطان برنامه‌ریزی کرده بود که رخ دهد — هر چیزی که بتوان آن را به صورت اختلافی بزرگ جلوه داد.

حزقیال، باب ۲۸ را بخوانید. اکنون اینجا کاری عظیم در میان است که در آن ارواح غریب می‌توانند نقش داشته باشند. اما خداوند کاری دارد که باید انجام شود تا جان‌های در حال هلاکت نجات یابند؛ و شیطان مبدل خلأهایی را که می‌تواند پر کند و با آن آشفتگی را به صفوف ما بیاورد، به کمال انجام خواهد داد، و همه آن اختلافات کوچک بزرگ و برجسته خواهند شد.

و از همان آغاز به من نشان داده شد که خداوند بار این کار را نه به مشایخ دنیلز و نه به پرسکات سپرده است. آیا باید نیرنگ‌های شیطان دخالت داده شود؟ آیا این «Daily» باید چنان امر بزرگی باشد که برای سردرگم کردن اذهان و بازداشتن پیشرفت کار در این دوره مهم از زمان مطرح گردد؟ نباید چنین باشد، به هر حال. این موضوع نباید مطرح شود، زیرا روحی که با آن وارد می‌شود بازدارنده خواهد بود و لوسیفر مراقب هر حرکت است. عوامل شیطانی کار خود را آغاز خواهند کرد و آشفتگی به صفوف ما راه خواهد یافت. شما هیچ مأموریتی ندارید که به دنبال اختلاف نظری بروید که مسئله‌ای آزمایشی نیست؛ بلکه سکوت شما گویاترین سخن است. همه موضوع به روشنی پیش روی من است. اگر شیطان می‌توانست هر یک از افراد خود ما را در این موضوعات درگیر کند، همان‌گونه که قصد کرده است، کار شیطان پیروز می‌شد. اکنون باید کار بی‌درنگ در دست گرفته شود و هیچ [اختلاف] نظری ابراز نشود.

شیطان به آن کسانی که از ما جدا شده‌اند الهام می‌داد که با فرشتگان شریر متحد شوند و در پیشرفت کار ما بر سر مسائل بی‌اهمیت کندی بیندازند، و چه شادمانی [در آنجا] در اردوگاه دشمن برپا می‌شد. متحد شوید، متحد شوید. بگذارید همه اختلاف‌ها به خاک سپرده شوند. اکنون کار ما این است که همه توان جسمی و توان مغز و اعصاب خود را صرف از میان برداشتن این اختلافات کنیم و همگی هماهنگ شویم. اگر به شیطان با آن حکمت عظیم نامقدسش اجازه داده می‌شد که کمترین جای پای پیدا کند، [شادمان می‌شد].

اکنون، وقتی دیدم چگونه عمل می‌کنید، دریافتم که تمام اوضاع و پیامدها چگونه خواهد بود، اگر پیش بروید و به گروه‌هایی که ما را ترک کرده‌اند کوچک‌ترین فرصتی بدهید تا آشفستگی را به صفوف ما وارد کنند. بی‌حکمتی شما دقیقاً همان چیزی خواهد بود که شیطان می‌خواهد. اعلام پرسر و صدای شما تحت الهام روح‌القدس نبود. به من دستور داده شد به شما بگویم که عیب‌جویی شما از نوشته‌های مردانی که از سوی خدا هدایت شده‌اند، از جانب خدا الهام نشده است. و اگر این همان حکمتی است که کشیش دنیلز می‌خواهد به مردم بدهد، به هیچ‌وجه به او مقام رسمی ندهید، زیرا او نمی‌تواند از علت به معلول استدلال کند. سکوت شما در این موضوع، عین حکمت است. اکنون، هر اقدام مشابه عیب‌جویی از آثار مردانی که دیگر در قید حیات نیستند، کاری نیست که خدا به هیچ‌یک از شما سپرده باشد. زیرا اگر این مردان—کشیشان دنیلز و پرسکات—دستورالعمل‌های داده‌شده برای کار در شهرها را دنبال کرده بودند، افراد بسیار زیادی به حقیقت قانع و ایمان‌آورده می‌شدند؛ مردان توانمندی که [اکنون] در جایگاه‌هایی هستند که هرگز به آنان دسترسی پیدا نخواهد شد.

تمام جهان باید یک خانواده بزرگ در نظر گرفته شود. و وقتی چنین چشمه‌ای از دانش برای بهره‌گیری دارید، چرا با وجود شهادت‌هایی که خداوند ما عیسی مسیح داده است، جهان را سال‌ها به حال هلاکت رها کرده‌اید؟ دین راستین به ما می‌آموزد که هر مرد و زنی را شخصی بدانیم که می‌توانیم به او نیکی کنیم.

این نوشته سالیان بسیاری است که چاپ شده است: «ذهن متعادل»، شهادتی خطاب به کشیش اندروز. ذهن را می‌توان پرورش داد تا به قدرتی بدل شود برای دانستن اینکه چه وقت سخن بگوید و چه بارهایی را بر عهده گیرد و تحمل کند، زیرا مسیح آموزگار توست. و من سخت برایت ترسیدم [وقتی دیدمت] که خرد خود را بزرگ می‌شماری و در مسیری گام می‌نهی که اختلاف آرا را به میان می‌آورد. خداوند مردان خردمندی را می‌خواند که بتوانند هنگامی که حکمت اقتضا می‌کند، خاموشی اختیار کنند. اگر می‌خواهی مردی کامل باشی، به تقدیس از طریق عیسی مسیح نیاز داری. اکنون کاری تازه آغاز شده است، و بگذار حکمت در وجود هر خادم و هر رئیس [یک] کنفرانس دیده شود. اما اینجا کاری بود که سال‌ها پیش باید بدان دست می‌زدی، جایی که لازم بود برای همین کار صدایت را بلند کنی. مسیح به همه قوم خود رهنمودهای ویژه‌ای داد درباره آنچه باید بکنند و آنچه نباید بکنند. و اندک زمانی برای ما باقی مانده تا عدالت خداوند را به انجام رسانیم. تو می‌توانی راه خداوند را دریابی. پس از آنکه به ریاست گماشته شدی، دیدم که قصد داری امور را مطابق تدبیر خود پیش ببری. می‌پنداشتی کارهای شگفتی خواهی کرد، کاری که خدا آن را در دستان تو نهاده بود تا انجامش دهی. اکنون، کار تو ستم کردن نیست، بلکه اگر خداوند تو را برای خدمت پذیرفته است، باید هر نیاز ممکن را برطرف سازی. اما تو بسیار زود نشان دادی که حکمت و داوری تقدیس‌شده در تو ظاهر نشده است. مسائلی را با تندی مطرح کردی که مگر آنکه خداوند نوری عطا کند، پذیرفته نمی‌شد.

به من دستور داده شده که چنین اقدامات شتاب‌زده‌ای نباید [انجام] می‌شد [از جمله] انتخاب شما به‌عنوان رئیس کنفرانس حتی برای یک سال دیگر. اما خداوند هر اقدام شتاب‌زده دیگری را منع می‌کند تا زمانی که موضوع در دعا به حضور خداوند آورده شود؛ و چون این پیام به شما رسیده که کار خداوند که بر عهده رئیس نهاده شده، مسئولیتی بسیار خطیر است، شما هیچ حق اخلاقی نداشتید که درباره موضوع «Daily» چنان که کردید به تندی سخن بگویید و گمان کنید نفوذتان مسئله را تعیین خواهد کرد. الدر هسکل بود که بار مسئولیت‌های سنگین را بر دوش کشیده است، و الدر اروین و چند مرد دیگر نیز هستند که می‌توانم نام ببرم که آنان مسئولیت‌های سنگینی بر عهده دارند.

احترام شما برای مردان سالخورده کجا بود؟ بدون آن که همهٔ مردان مسئول را برای سنجیدن موضوع درگیر کنید، چه اقتداری می‌توانستید اعمال کنید؟ اما اکنون بیایید موضوع را بررسی کنیم. باید اکنون بازنگری کنیم که آیا، با توجه به کاری که مورد غفلت واقع شده، این داوری خداوند است که غیرت خود را برای به پیش بردن کار حتی یک سال دیگر نشان دهید. اگر بناست کار را با یاری‌ای که با شما همراه خواهد شد یک سال دیگر ادامه دهید، باید تغییری در شما و الدر پرسکات روی دهد. و دل‌های خود را در برابر خدا فروتن سازید. خداوند باید در شما نمود تجربه‌ای متفاوت را ببیند، زیرا اگر تاکنون مردانی در این [زمان] حاضر نیاز به از نو تبدیل یافتن داشته‌اند، آنان الدر دنیلز و الدر پرسکات‌اند.

باید هفت مرد برگزیده شوند که مردانی صاحب حکمت باشند و به واسطهٔ عمل فیض خدا [بدهند] گواهی [بر] تبدیل مجدد. زیرا هر گروهی از مردان که چنان کور شده‌اند که نتوانند از علت به معلول استدلال کنند، چنان که مردانی را که بار مسئولیت‌های کار را بر دوش کشیده‌اند و این رؤسای کنفرانس‌ها را نادیده بگیرند، [که] مردانی [که] بیش از دو سال کار را بر دوش کشیده‌اند کنار گذاشته شوند و چنان پیامد شتاب‌زده‌ای رخ دهد که مردم همان کاری را که سال‌ها پیش چشم‌شان نهاده شده بود—کار شهرها—را فروگذارند، و هیچ، یا جز بسیار اندک، توجهی [شود] به پیرمردان برای مشورت، بلکه چیزهایی را که خود برمی‌گزینند برای مردم اعلام کنند، خود گواهی می‌دهد که این مردان برای سپردن کاری چنین عظیم و شگفت‌انگیز امن و قابل اعتماد نیستند.

مسیح نمرده است. او هرگز اجازه نخواهد داد کارش به این شیوهٔ عجیب پیش برده شود. به کتاب‌ها دست نزنید. اگر تغییری ضروری باشد، خدا هماهنگی آن تغییر را تضمین خواهد کرد، اما وقتی پیامی همراه با مسئولیت‌های سنگین به مردمان سپرده شده است، [خدا] وفاداری‌ای می‌طلبد که با محبت عمل کند و جان را پاک سازد. مشایخ دنیلز و پرسکات هر دو به تبدیل دوباره نیاز دارند. کاری غریب راه یافته است و با کاری که مسیح برای انجامش به جهان ما آمد هماهنگ نیست؛ و همهٔ کسانی که حقیقتاً تبدیل شده‌اند اعمال مسیح را انجام خواهند داد.

ما همه [باید] کاری را به انجام رسانیم که پدر را جلال دهد. ما به بحران رسیده‌ایم—یا در همین زمان آمادگی با منش عیسی مسیح همسو شویم یا به [آن] مبادرت نورزیم. الدر دنیلز، [نباید] احساس کنید مجازید که صدایتان در بلندا شنیده شود، چنان که در شرایط مشابه کرده‌اید. و بدانید، رئیس یک کنفرانس حاکم نیست. او در ارتباط با مردان خردمندی کار می‌کند که منصب ریاست را بر عهده دارند و خدا آنان را پذیرفته است. او آزادی آن را ندارد که در نوشته‌های کتاب‌های چاپ‌شده از قلم‌هایی که خدا آن‌ها را پذیرفته است، دخالت کند. آن‌ها دیگر نباید اعمال نفوذ کنند مگر آنکه کمتر از قدرت حکمرانی و سلطه‌گری نشان دهند. بحران فرا رسیده است، زیرا خدا بی‌حرمت خواهد شد.

خداوند به شهرهایی که بر آنها کاری انجام نشده است چگونه می‌نگرد؟ مسیح در آسمان است. اکنون اعتراف باید چنین باشد: «هیچ سلطنتی در کار نیست. و اکنون بحران این جهان است. اکنون من قدرت نجات دادن یا نابود کردن هستم. اکنون زمانی است که سرنوشت همه در دست‌های من است. من جان خود را برای نجات جهان داده‌ام. و "من، اگر برافراشته شوم"، فیض نجات‌بخشی که عطا خواهم کرد ثابت خواهد کرد که همهٔ آنان که مطابق شباهت الهی شکل خواهند گرفت و با من یگانه خواهند شد، همان‌گونه که من کار می‌کنم، با قدرت فیض رهاننده‌ام کار خواهند کرد.» هر که بخواهد، [بگذارد] با برادران خود دست به کار شود تا کاری را که به آنان سپرده شده است، در جایگاه‌های مسئولیت، زیر رهنمودی که خداوند می‌دهد، به انجام رسانند، و با کمال جدیت بکوشند تا در نهایت هماهنگی با او که آن‌چنان جهان را محبت کرد که برای نجات جهان جان خود را قربانی کامل داد، کار کنند. من با خادمان ما سخن می‌گویم که چون به کار در شهرهای ما وارد می‌شوند، بگذار آرامش قدسی همراه خدمت کلام باشد. ما نمی‌توانیم تأثیر

شایسته‌ای بر ذهن‌های مردم بگذاریم اگر ما . . .

از دفترچه خاطراتم نقل می‌کنم. حقیقت آنگونه که در عیسی است—آن را بر زبان آورید، برایش دعا کنید، هر کلمه‌اش را در سادگی‌اش باور کنید. چه به دست خواهید آورد اگر خطاها را در برابر مردانی بگذارید که از ایمان برگشته و به ارواح فریبنده گوش سپرده‌اند؛ همان مردانی که تا همین اواخر با ما در ایمان بودند؟ آیا جانب شیطان را خواهید گرفت؟ توجه خود را به کشتزارهای کارننده معطوف کنید. کاری جهانی پیش روی ماست. به من تصاویری درباره جان کلاگ داده شد.

یک شخصیت بسیار جذاب اندیشه‌های نهفته در استدلال‌های فریبنده‌ای را که ارائه می‌کرد نمایان می‌ساخت؛ دیدگاه‌هایی متفاوت با حقیقت ناب کتاب مقدس. و کسانی که در پی چیز تازه‌ای گرسنه و تشنه بودند، اندیشه‌هایی [چنان فریبنده] را پیش می‌بردند که الدر پرسکات در خطر بزرگ بود. الدر دنیلز در خطر بزرگی [از] گرفتار شدن در توهمی بود که اگر این دیدگاه‌ها بتوانند همه‌جا بیان شوند، گویی جهانی نو خواهد شد.

بله، چنین می‌شد، اما هنگامی که ذهن‌هایشان بدین‌سان مستغرق بود، به من نشان داده شد که برادر دنیلز و برادر پرسکات مضامینی با ظاهری روحانی [گرایانه] را در تجربه خود می‌آمیختند و قوم ما را به سوی مضامین زیبایی می‌کشاندند که اگر ممکن بود، حتی برگزیدگان را نیز بفریبند. باید با قلم خود [این واقعیت را] بنگارم که این برادران در اندیشه‌های فریبنده خود نقایصی می‌دیدند که حقیقت را در وضعیتی از عدم قطعیت قرار می‌داد؛ و [با این حال] آنان چنان جلوه می‌کردند [که گویی] دارای تشخیص روحانی عظیمی هستند. اکنون باید به ایشان بگویم [که] وقتی این موضوع به من نشان داده شد، آن هنگام که کشیش دنیلز در دفاع از نظریات خود درباره 'Daily' صدای خود را چون شیپور بلند می‌کرد، نتایج پس از آن بر من عرضه شد. قوم ما دچار سردرگمی می‌شد. من نتیجه را دیدم، و آنگاه به من هشدارهایی داده شد که اگر کشیش دنیلز بی‌اعتنا به پیام بدین‌سان تحت تأثیر قرار گیرد و به خود اجازه دهد باور کند که تحت الهام خداست، تخم شکاکیت در همه‌جا در میان صفوف ما افشانده خواهد شد، و ما در جایی خواهیم بود که شیطان پیام‌های خود را بدان‌جا می‌برد. بی‌ایمانی راسخ و شکاکیت در اذهان انسان‌ها کاشته می‌شد، و محصولات غریب شر جای حقیقت را می‌گرفت. انتشارات دست‌نوشته‌ها، جلد ۲۰، ۱۷-۲۲.

تاریخ نسل دوم نشان می‌دهد که طغیان شدت یافته است. روح‌گرایی بازنمایی‌شده در «حجره‌های تصاویر» کتاب حزقیال نشان می‌دهد که «برادر دنیلز و برادر پرسکات گرایش‌هایی با ظاهر روح‌گرایانه را در تجربه خود می‌آمیختند و قوم ما را به سوی عقاید زیبایی می‌کشاندند که اگر ممکن بود، خود برگزیدگان را نیز می‌فریفت.» روح‌گرایی مرتبط با دیدگاه نادرست «daily» daily نماذ آن چیزی است که، اگر ممکن بود، برگزیدگان را نیز می‌فریفت. او روح‌گرایی همه‌خدایی را که کلاگ در حال ترویج آن بود، با تلاش پرسکات و دنیلز برای تعریف «daily» daily به‌عنوان خدمت مقدسگاه مسیح به هم پیوند می‌دهد.

او به آنان می‌گوید کتاب‌ها را به حال خود رها کنند؛ و با این سخن به تلاش پرسکات و دنیلز برای بازنویسی کتاب اورپاه اسمیت، «دانیال و مکاشفه»، اشاره داشت تا آموزه او درباره «دائمی» را - همان‌گونه که میلر آن را شناسایی کرده بود - حذف کنند. بازنویسان تاریخ لائودکیه، که اشعیا آنان را «دانایان» می‌نامد، بر بی‌سوادان ادونتیسیم کاری شگرف انجام داده‌اند، زیرا شهادت تاریخ را تحریف کرده‌اند تا آنانی را که گوش‌های خارش‌دار و عادت‌های مطالعه سطحی دارند، به این فکر بیندازند که موضوع «دائمی» بی‌اهمیت است و اینکه میلر در این موضوع اشتباه کرده است. آن کار بازنویسی بخشی از زباله‌ای است که به میلر نشان داده شد که باید به دست مردی با جاروی خاک‌روبی جارو

شود، در زمانی که تجلی قدرتِ خدا در «فریادِ نیم‌شب» تکرار می‌شود.

در مقالهٔ بعدی به بررسی نسل دوم ادونتیسیم لائودیکی ادامه می‌دهیم.

پیام «پیش بروید» هنوز باید شنیده و محترم شمرده شود. اوضاع و احوال گوناگونی که در جهان ما رخ می‌دهد، کار و تلاشی را می‌طلبد که پاسخگوی این تحولات خاص باشد. خداوند به مردانی نیاز دارد که از نظر روحانی تیزبین و روشن‌بین باشند، مردانی پروردهٔ روح‌القدس که بی‌گمان من تازه از آسمان دریافت می‌کنند. بر ذهن‌های چنین کسانی، کلام خدا نور می‌تاباند و بیش از هر زمان دیگر راه امن را بر آنان آشکار می‌کند. روح‌القدس بر ذهن و دل کار می‌کند. زمان فرا رسیده است که به‌واسطهٔ پیام‌آوران خدا طومار برای جهان گشوده می‌شود. آموزگاران در مدارس ما هرگز نباید با این قید بسته شوند که فقط آنچه تاکنون تعلیم داده شده را تعلیم دهند. این محدودیت‌ها را به کناری گذارید. خدایی هست که پیامی را که قومش باید بگویند به آنان می‌دهد. مبادا هیچ خادمی خود را در قید و بند احساس کند یا با معیارهای انسانی سنجیده شود. انجیل باید مطابق پیام‌هایی که خدا می‌فرستد تحقق یابد. آنچه خدا امروز به خادمانش می‌دهد تا بگویند، شاید بیست سال پیش «حقیقتِ حاضر» به شمار نمی‌آمد، اما پیام خدا برای این زمان است. مواد ۱۸۸۸، ۱۳۳.